دریچه‌ای به استعدادها

مقدمه

در عصر سلطه بی‌چون و چرای رایانه‌ها، تبعات آن را هم مثل هر دستاورد دیگر بشری باید بپذیریم که در این زمینه آلودگی ویروسی و سوءاستفاده از طریق نفوذ غیرمجاز به سایت‌های دیگران از آن جمله است. دوست با ذوقی ـ آقای علیرضا صادقی ـ با استفاده از این مضمون و با تعمیم آن به گذشته‌های دور و اساطیری، ابیاتی سروده است که خواندن آنها خالی از لطف نیست.

رستم و افراسیاب

کنون رزم Virus و رستم شنو
دگرها شنیدستی این هم شنو

که اسفندیارش یکی Disk داد
بگفتا به رستم که ای نیکزاد

در این Disk باشد یکی فایل ناب
که بگرفتم از Site افراسیاب

چنین گفت رستم به اسفندیار
که من گشنمه نون سنگک بیار

جوابش چنین داد خندان طرف
که من نون سنگک ندارم به کف

برو حال می‌کن بدین Disk، هان!
که هم نون و هم آب باشد در آن

تهمتن روان شد سوی خانه‌اش
شتابان به دیدار رایانه‌اش

چو آمد به نزد مینی تاور اش
بزد ضربه بر دکمهٔ Power اش

دگر صبر و آرام و طاقت نداشت
مر آن Disk را در Drive اش گذاشت

نکرد هیچ صبر و نداد هیچ لفت
یکی List از Root دیسکت گرفت

در آن Disk دیدش یکی File بود
بزد Enter آنجا و اجرا نمود

کز آن یک Demo شد پس از آن عیان
ابا فیلم و موزیک و شرح و بیان

به ناگه چنان سیستمش کرد Hang
که رستم در آن ماند مبهوت و منگ

چو رستم دگر باره Reset نمود
همی کرد Hang و همان شد که بود

تهمتن کلافه شد و داد زد
ز بخت بد خویش فریاد زد

چو تهمینه فریاد رستم شنود
بیامد که لیسانس رایانه بود

بدو گفت رستم همه مشکلش
وز آن Disk و برنامهٔ خوشگلش

چو رستم بدو داد قیچی و ریش
یکی دیسک Bootable آورد پیش

یکی Toolkit ناب در Disk بود
برآورد آنرا و اجرا نمود

همی گشت Toolkit، Hard اندرش
چو کودک که گردد پی مادرش

به ناگه یکی رمز Virus یافت
پی حذف امضای ایشان شتافت

چو Virus را نیک بشناختش
مر از Boot Sector برانداختش

یکی ضربه زد بر سرش Toolkit
که هر Byte آن گشت هشتاد Bit

به خاک اندر افکنده Virus را
تهمتن به رایانه زد بوس را

چنین گفت تهمینه با شوهرش
که این بار بگذشت از پل خرش

دگر باره اما خریت مکن
ز رایانه اصلاً تو صحبت مکن

قسم خورد رستم به پرودگار
نگیرد دگر Disk از اسفندیار

علی‌رضا صادقی